

خلاقیت در هنر

- خلاقیت یعنی خود را در چارچوب نگذاشتن
- متفاوت بودن
- داشتن اعتماد به نفس بالا
- سرچ کنیم خلاقیت را در مکاتب هنری مختلف
- ریسک معقول داشتن و جسارت همراه با پذیرش استاندارد های هنری
- انجام کار نو همراه با سلامت اخلاقی و روانی
- آسان تر انجام شدن کارها
- خلاقیت واژه ای نسبی و اکتابی است.
- کار هنری نیاز به دیده شدن دارد. کپی کردی فقط مهارت را بالا می برد.
- هنرمند کیست که صاحب سبک منحصر به فرد خودش باشد.

خلاقیت در هنر:

بکارگیری توان ذهنی برای ایجاد یک فکر جدید ، یک مفهوم جدید، یک تفکر جدید ، نشان دادن راه به طریق دیگری (نو)

2نوع تفکر داریم : تفکر واگرا – تفکر همگرا (این دو برعکس هم دیگرند)

تفکر واگرا : راه های جدید به ذهن مان می رسد . مثل مجموعه راه حل هایی که در برخورد با یک مسأله به ذهن ما می رسد . تفکر واگرا باعث ایجاد نوآوری و خلاقیت می شود.

تفکر همگرا : مثل تست ریاضی و هوش که همه راه حل ها به یک جواب می رسند.

ویژگی های فرد خلاق

- 1-سلامت روانی و ادراکی
- 2-انعطاف پذیری ادراکی (توانایی دست کشیدن از اجبار و چارچوب های ذهنی)
- 3- ابتکار (تکراری نبودن)
- 4-ترجیح پیچیدگی به سادگی
- 5-ریسک پذیری
- 6-استقلال رأی
- 7-کنجکاوی
- 8-دقت در جزئیات

9-اعتماد به نفس

10-شهامت

11-علاقمند به آزمایش کردن

12-شوخ طبعی و سخت نگرفتن

13-توانایی ارتباط موثر با دیگران

موانع خلاقیت :

1-فقط یک راه حل منطقی برای حل مسأله وجود دارد.

2- منطقی بودن بیش از حد

3- اطلاعات بی چون و چرا

4-نداشتن اوقات فراغت

5-ترس از احمق جلوه دادن

6-ترس از شکست

7-ترس از ابهامات

8-تخصصی کار کردن

راه های پرورش خلاقیت :

1- تجربه (سن مهم نیست / بستگی به تجارب فرد دارد / تجارب جدید مثل مسافرت و رسانه ها و ... دارد.)

2- بازی های فکری (شطرنج / پازل)

3- داشتن روحیه پرسش گری و کنجکاوی (زیاد دیدن / خوب دیدن / دقت در جزئیات/دیدن ترکیب بندی مناظر و اشیاء اطرافمان)

مراحل فرآیند خلاقیت:

1-حقیقت یابی مسأله و پردازش آن

-تعریف

-فرضیه

-آماده سازی

2-پالایش :اطلاعات به درد نخور دور ریخته شود.

3-تجزیه و تحلیل : از اطلاعات پالایش شده استفاده می کنیم و برای حل مسأله انتخاب می کنیم.

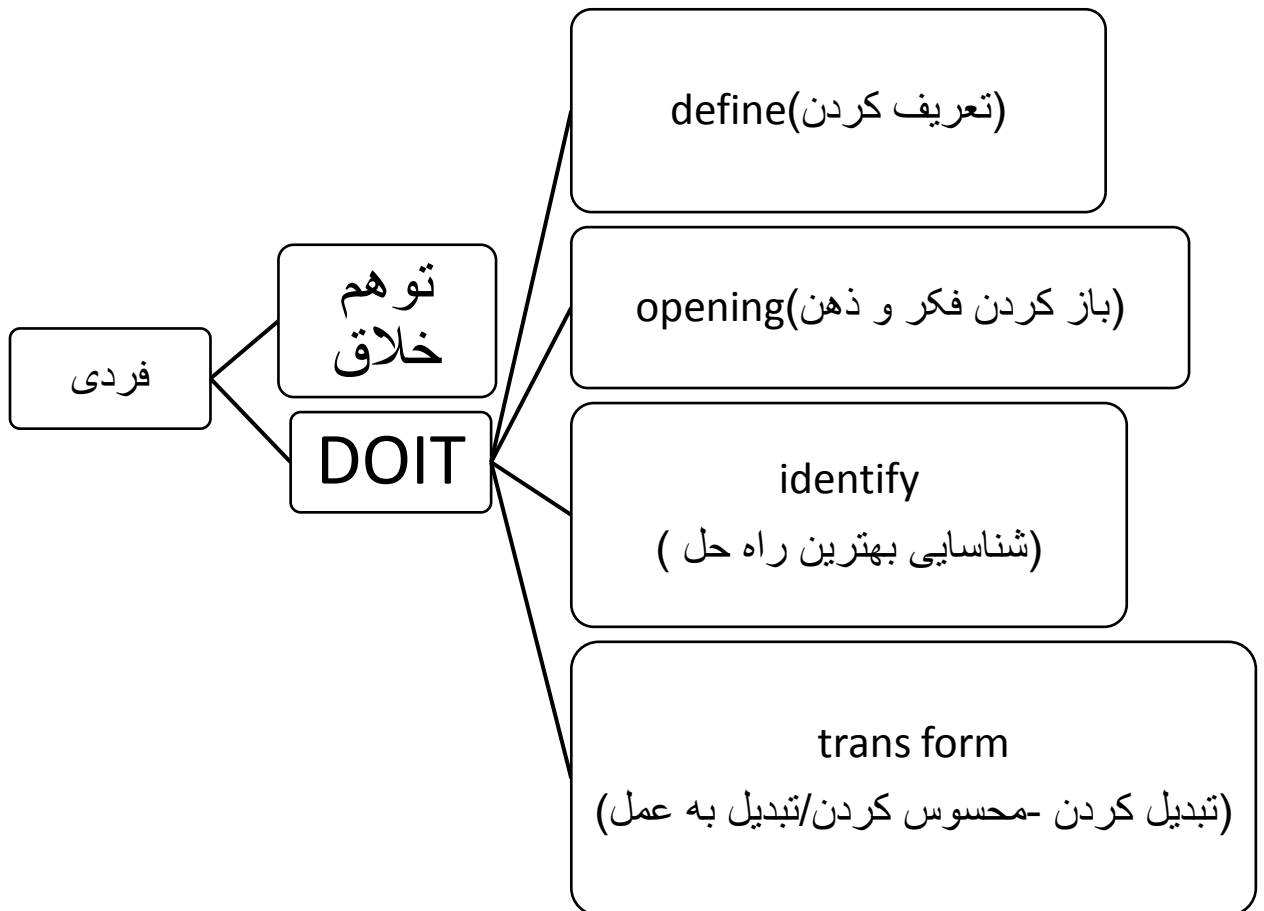
4-ایده یابی : ایده خلاقانه به دست می آید

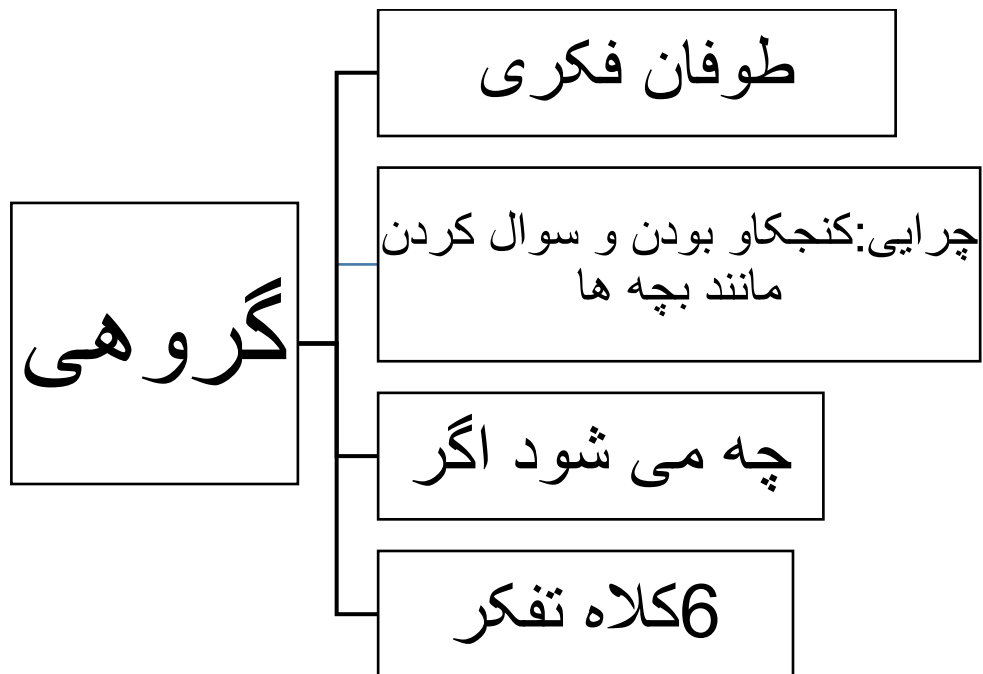
از مرحله اول تا سوم در این قسمت ذهن نتیجه گیری می کند

تکنیک های خلاقیت :

1- فردی

2- گروهی





طوفان فکری : در روش طوفان فکری اعضا یک گروه یک جا جمع می شوند و ایده های خودشان را به اشتراک می گذارند مشکل این تکنیک در این است که ایده های طوفان فکری فردی که از انتقاد ترس و شرم دارد مطرح نمی شود. اما چون ایده ها به صورت گروهی و به طور خود به خود ارائه می شود ممکن است راه حلی که به ذهن فرد خطور پیدا نمی کند در گروه حاصل شود

تکنیک های چرایی: سوال برای هر چیز باعث می شود موقعیت و وضعیت را بهتر درک کنیم و به موضوع احاطه پیدا کنیم و برای ایده یابی و ایده پردازی بکار می رود.

چه می شود اگر: آزاد شدن از قالب های ذهنی و شرایط موجود و پیش فرض ها و عادات و استانداردها . یک نوع تفریح و شوخی هم محسوب می شود.

در هم شکستن مفروضات: خیلی از مفروضات اعتبار خود را از دست داده و تاریخ مصرف آنها گذشته است ولی شخص با همان مفروضات قضاوت می کند. خواب تصادف دو چرخه لزوماً خطرناک بودن دو چرخه نیست.

6 کلاه تفکر: رنگ هر یک از این کلاه ها در این تکنیک نماد نوعی تفکر و ارائه نظر است.

-کلاه آبی: نماد تفکر، نظم دهی، قضاوت و اینکه جمع کردن همه خصوصیات یکجا / احاطه و سازماندهی

-کلاه سفید: بدون دخالت عواطف و احساس مانند یک کامپیوتر قضاوت می کند. بی طرفی/منفعل بودن /ارائه ارقام و اطلاعات ملموس و واقعی مانند آمارهای خرید و فروش /نقل و قول/اطلاعات شخصی

-کلاه قرمز: بیان احساسات و عواطف و هیجان و خشم /دیدگاه احساسی انیان را بیان می کند برای مثال من از این آدم خوش نمی آید.

-کلاه سیاه: منفی و ناممکن بودن و در عین حال منطقی بودن منطقی منفی /وجود مشکلات را بیان می کند بدون ارائه راه حل مثلاً داشتن بمب هسته ای برای کشور خطرناک است.

-کلاه زرد:خوش بینانه و جنبه های امیدوارانه و تفکر مثبت منطقی را بیان می کند مثلاً رد شدن در امتحان استخدامی بهترین اتفاق برای من بود.

-کلاه سبز: خلاقیت و ارائه نظریات نو/انگیزش و حرکت مثلا نابینایان از کامپیوتر شخصی استفاده کنند.

مراحل آفرینش هنری :

1- دریافت 2-تحلیل 3-آفرینش

-دریافت : اساس تفکر انسان دریافت حسی است که از طریق مشاهده/لمس کردن / شنیدن و سایر حواس خود با جهان ارتباط برقرار می کند. مثلا هنرمند نقاش با مشاهده دنیای اطراف خود و جهان سرشار از شکلها و رنگ ها و نور ها و نقوش روبرو است و هنگام بیان عقیده خودش دست به انتخاب می زند که کدام یک از این دریافت ها را در قالب شکلی محسوس و ماری بیان کند (نماد ها و عناصر و موتیف ها را از اطرافمان میگیریم)

-تحلیل :مهم ترین مرحله در بحث خلاقیت تحلیل است . در جریان آفرینش های هنری هنرمند بعد از دریافت حسی خویش از جهان پیرامون اش به منظور بیان اندیشه ذهنی دست به انتخاب شکل های نمادین می زند و از راه شهود و الهام و با تأثیر پذیری از ویژگی های فرهنگ فردی در اندیشه خود تغییراتی به وجود می آورد. در مرحله تحلیل رویا و تخیل نقش اساسی دارند.

هر پندار و اندیشه ای که به مرحله تحلیل برسد به صورت های تخیلی تبدیل می شود. هنرمند به یاری تخیل صورت های یعنی طبیعت را دگرگون ساخته و صورت های

تازه ای به آن می بخشد. از نقطه نظر فیلسوف آلمانی "هگل" روح منشأ زیبایی های هنری است. زیبایی هنر از زیبایی طبیعی واقعی تر است زیرا زیبایی هنر باز آفرینی طبیعت است. طبق نظر هگل آشتی میان طبیعت و واقعیت و آزادی تفکر هنرمند همان گذر از مرحله دریافت به مرحله تحلیل است.

آفرینش : مواد و مصالح و ابزار / شیوه و روش و سبک مربوط به محتوای اثر است / آگاهی های هنری و تکنیک و سواد هنری (در مرحله آفرینش هنری هنرمند به مواد و ابزار بیان دارد)

(نحوه آفرینش مختص هنرمند است و اختصاص به صلیغه هنرمند دارد.)

آفرینش، مرحله ملموس کردن ایده هنری است به طور کلی هنر برانگیخته شدن احساس در شخص و برانگیختن احساسات مخاطب است و ما این عواطف و احساسات را از طبیعت می گیریم و طبیعت آن را در ما شکوفا می کند. لامسه بر دو نوع است:

1- لامسه بصری 2- لامسه حسی

البته هر تخلیه هیجانی را کار هنری نمی نامیم. هنرمفهوم می باید با استاندارد های هنری باشد.

تمرین 1 توهم خلاق: از اسمش مشخصه / یعنی خطای عمدی و طور دیگری به مسائل نگاه کردن. واقعیت توسط حواس پنج گانه درک می شود اما در توهم خلاق کدهایی در ذهن ایجاد می شود که نتیجه آن در طبیعت وجود ندارد. مثلا با نگاه کردن به

شاخه های درخت یک شکل انتزاعی داخل آن کشف کنیم مثلا شکل یک حیوان / چهره / دست و...

تمرین 2 کلاژ : با برش و بریدن و جا به جا کردن قسمت های مختلف یک تصویر و از نو ساختن آن یک شکل جدید را ایجاد کنیم که معنی داشته باشد (اختراع شکل های جدید از یک تصویر با برش و جابه جایی اجزای تصویر)

تمرین 3 شش کلاه تفکر

مبانی هنر های تجسمی : الفبای تصویری - کیفیت تصویری

الفبای تصویری: نقطه ، خط ، سطح ، حجم

الفبای تصویری (ترکیب بندی): نور ، بافت ، رنگ

خط : ساختمانی – احساسی

سطح (دو بعدی ات): هندسی – غیر هندسی

حجم (سه بعدی ات): طول – عرض – ارتفاع

حجم به خطای دید برای خلاقیت کمک می کند.

نقش نقطه در تصویر :

1-تجمع و پراکندگی

2-تیرگی و روشنایی

3-ایجاد تقارن توسط نقطه

خط از کنار هم قرار گرفتن چند نقطه به وجود می آید. خطوط منحنی احساس آرامش و خطوط شکسته احساس استرس می دهد.

هر کدام از خطوط حالات ویژه و جلوه بصری خاصی دارند. مثلا خط عمودی نشانگر ایستایی و استقامت ، خط افقی نشانگر آرامش و گستردگی ، خط مایل نشانگر تحرک و عدم ایستایی ، خط منحنی نشانگر پویایی و ملایمت و آرامش ، خط شکسته نشانگر تحرک و فعالیت و جنبش

سطح : هندسی ، غیر هندسی یا هندسی ترکیبی

مربع: نمودی از استواری / مردانگی / سکون / منطق/معرف زمین است/ نمادی از جهان مخلوق / چهار فصل سال/ چهار مرحله زندگی/چهار مرحله تکاملی/چهار جهت اصلی می تواند باشد. افلاطون شکل چهار ضلعی مربع را زیبا به معنای مطلق آن می داند.

دایره : نمادی از حرکت زمین و آسمان/حرکت/زنانگی/

احساس/آسمان و جهان معنوی

مثلت: خطر/ دلهره/ اضطراب/ توازن/ به دلیل داشتن نقطه در رأس آن نیرو و انرژی را به بیرون منتقل می کند.

تعریف طراحی:

طراحی عبارت است از بازتاب ذهن خلاق انسان برای بیان معانی و مفاهیم و ایجاد ارتباط که توسط خط بر روی سطح صورت می گیرد پس ساده ترین عنصر در بیان تصویری به ویژه در طراحی خط می باشد.

عملکرد خط در طراحی: 1- اکسپرسیو 2- کنستراکتیو

(Constructive)

اکسپرسیو: خط با بیان حالت به معنی تظاهر بیرونی شخصیت و رفتارهای فردی انسان اکسپرسیو نامیده می شود (خط های درهم و آزاد و صریح برای بیان هرچه موثرتر احساس بکار می رود)

کنستراکتیو: بیان کننده انضباطی منطقی و ساختمانی است و تابع نظم و قاعده ویژه ای است.

به طور کلی :

پس در بحث آفرینش ما نیاز به سواد بصری و هنری داریم مثل خط و نقطه و سطح

تفاوت شکل و فرم: فرم 3 بعدی است اما شکل دوبعدی است.

انواع فرم : 1- واقعی 2- ذهنی و انتزاعی 3- ساده

4- پیچیده

انواع حجم : شفاف - سخت - ترسن پرن - مجازی (قابل لمس نیست)

حجم بصری همان خطای دید است و با حجم مجازی متفاوت است.

همان گونه از حرکت خط در فضا سطح بوجود می آید از حرکت سطح در فضا حجم

اليجاد می گردد به صورت هندسی که عبارتند از کره/مخروط و استوانه و یا غیر

هندسی مثل تکه سنگ/حجم شفاف مثل یک تکه ابر.

از حرکت سریع و چرخشی یکسری نقطه و خط یا سطح حجم های بصری و مجازی به

وجود می آیند که قابل لمس نیستند ولی با چشم قابل رویتند.

حجم توسط نور و فضا تعریف می شود که پارامتر های مهم حجم هستند.

دگرگونی عناصر بصری:

اندازه- شکل - موقعیت - جهت - تراکم

پس انواع فرم را می توان به چهار حالت دسته بندی کرد که گفته شد و گفتیم که تفاوت شکل و فرم در این است که شکل یک عنصر چه در سطح چه در حجم عبارتست از خطوط و پیرامون آن عنصر

بافت: جنسیت (بافت برای دکوراسیون داخلی و معماری مهمه) بافت 1-لامسه 2- ترسیمی و بصری .

مثلا با استفاده از لکه های شمع / لکه جوهر/ تا زدن و مچاله کردن کاغذ میشه بافت ایجاد کرد.

ترکیب بندی :

کیفیت های بصری: عناصر بصری در جریان ترکیب با یکدیگر در یک مجموعه تصویری کیفیت های ویژه با ارزشی را از نظر بصری به وجود می آورند. این کیفیت ها که یک ترکیب بندی خوب را میسازد عبارتند از: ریتم/ تعادل / تناسب / شکل و زمینه / فضای مثبت و منفی .

قبل از هر چیز در مورد کادر که یکی از عوامل مهم در شناخت و بررسی عناصر بصری ای باید تعریف شود.

کادر: به محدوده هر عنصر و هنری گفته می شود که در داخل خود کلیه عناصر بصری را جمع کرده و شکل می بخشد.

ریتم: عبارتست از تکرار هرگونه شکل و رنگ و موقعیت و حرکتی شبیه به هم طبق نظمی معین.

3 جنبه تکرار / رشد / تناوب / از اصول بنیادی ریتم اند

رشد: □ □ □ □

تکرار: □ □ □ □

تناوب: ○ □ ○ □ ○ □

(آفرینش شکل های جدید با تکنیک های مختلف: از ترکیب شکل، از تکرار شکل)

تعادل: ریشه و اساس همه توانایی های ما بستگی به حس تعادل دارد. چنانچه حس تعادل در انسان کاهش یابد به هیچ وجه قادر به حرکت نخواهد بود. در یک اثر هنری

تعادل زمانی احساس می شود که کنش و واکنش تمام نیروی بصری منجر به یک موتزنه شود و نتوان هیچ گونه تغییری در ترکیب آن بوجود آورد.

انواع تعادل:

1- تعادل قرینه یا غیر فعال

2- تعادل غیر قرینه یا فعال: که از وزن و سنگینی برابرند اما عناصر موجود از لحاظ شکل/رنگ/حرکت یکسان نیستند.

تناسب: عبارتست از رابطه نسبی و قیاسی بین اجزای مختلف / یک عنصر که گاهی از طریق کشف و شهود و گاهی از راه اعمال نسبت های ریاضی بوجود می آید.

رنگ: انسان تمامی دانش و تجربه خود در جهان هستی را به وسیله دو عنصر فرم و رنگ کسب می کند. اشیاء موجود در طبیعت ابتدا رنگ و سپس فرم آنها که از طریق چشم به مغز انتقال یافته قابل درک می شود.

3 گروه رنگ به نام رنگهای هصلی وجود دارد که عبارتند از زرد، قرمز و آبی که در طبیعت به صورت خالص وجود دارد. رنگهای درجه دوم 3 رنگ نارنجی، بنفش و سبز هستند که هر کدام از ترکیب متعادل دو رنگ اصلی بوجود می آیند. رنگهای درجه سوم از ترکیب یک رنگ اصلی و یک رنگ درجه دوم بدست می آیند.

رنگ های مکمل رنگ هایی هستند که اگر آنها را باهم ترکیب کنیم رنگ خاکستری بوجود می آید.

هرگاه رنگهای مکمل را کنار هم قرار دهیم هر یک روشن تر و قوی تر بنظر می آید. رنگهای سیاه ، سفید و خاکستری را (آکروماتیک) و رنگهای رنگی را (دوکروماتیک) می گویند.

الف) نام رنگ: قرمز- آبی- زرد

ب) ارزش رنگ: تاریکی و روشنی مثلا بنفش تیره و زرد روشن

ج) خلوص یا اشباع رنگی: رنگی که اصلا با سیاه یا سفید ترکیب نشده مثل قرمز خالص در مقایسه با قرمز روشن.

-از لحاظ بصری قدرت رنگ به دو عامل بستگی دارد:

1-میزان درخشندگی رنگ

2- وسعت رنگ

به منظور ایجاد هماهنگی و تعادل باید هر رنگ را به میزان درخشندگی و وسعت صحیح آن بکار گرفت مثلا گوته فیلسوف آلمانی برای نسبت های رنگی ارقامی را عرضه کرده است.

زرد : 3 نارنجی : 4 قرمز و سبز : 6 آبی : 8 بنفش : 9

رنگ‌های سرد : بنفش و آبی ← سطح بیشتر

رنگ زرد : در سطح وسیعی بکار نمی رود (تطبیق فرم و رنگ یکی از مباحث با ارزش هنرهای بصری است)

مربع : شکلی زیبا / محکم / سنگین / نمادی از مادیت است لذا فرم مربع با قرمز منطبق است.

مثلث : حالت طغیان و ستیزه جویی داشته و با رنگ مشابه است.

دایره : دور و تسلسل / گردش دورانی و ابدیت داشته و با رنگ آبی تطبیق می کند.

هر یک از سطوح ترکیبی را می توان با انطباق رنگ های اصلی و انطباق رنگ های درجه دوم با شکل های هندسی دیگر بدست آورد.

مثلا : دوزنقه

نقد آثار هنری :

در نقد غالبا توصیف و قضاوت مطرح است. هر آثار هنری به نحوی در برگیرنده اندیشه و احساس و عاطفه و تخیل هنرمند است. که در قالبی معین بیان شده است و ابعاد مختلفی را برای ارزیابی ممکن می کند. این ابعاد به مقوله های زیبا شناسی / جامعه شناسی / روانشناسی / جهان بینی مربوط بستگی دارند.

آنچه که مسلم است نقد هنری قبل از هر چیزی مفهوم زیبا شناختی دارد. گاهی ممکن است توصیف یا ارزیابی بر جنبه های خاص زیبا شناسی قابل قبول نباشد. بنابراین نقد هنری در این صورت اقدامی جدل آمیز و بحث انگیز است.

بعضی از نظام ها و روش های تفسیر اثر هنری عبارتند از:

دیدگاه رمانتیک – دیدگاه مارکیستی – دیدگاه ارسطویی – اندیشه یا دیدگاه نو

ارسطویی- روش متکی بر الهیات – روانکاوی فروید – نظریه نقد نو

(به پیام و کارکرد اثر هنری توجه می کند و برخورد زیبا شناسانه از طریق خود اثر

یعنی دریافت مستقیم از اثر به وسیله ادراک حسی)

اصطلاحاتی که در نقد هنری مورد توجه قرار میگیرد

1- موضوع هنری 2- مضمون (تم)(ایمیج

image) 3- محتوا

مثال: موضوع	مضمون	محتوا
شام آخر داوینچی	مذهبی	روحانی و عارفانه
شام آخر کاراواجو	مذهبی	دنیوی

مینیاتور محتوا عارفانه و روحانی دارد.

قالب یا فرم

موضوع هنری: هر اثر نقاشی دارای یک موضوع است. البته نقاشان انتزاع گر موضوع را از خود حذف می کنند. موضوع هنری از میان پدیده ها و رویداد ها و موقعیت ها برای نقاش انتخاب می شود مثل یک منظره طبیعی و چهره یا ذهنی و مجازی مثل صفحه نبرد و واقعه تاریخی.

مضمون: مجموعه ای از تصاویر ذهنی/ کیفیت ها و ایده ها که قابل تکرار و تنوع هستند مثلا مضمون مذهبی که به صورت های گوناگون می توانند اجرا شوند.

محتوا: عبارتند از آن چیزی که نقاش درون خود کشف می کند و مورد تایید قرار می دهد. مفهوم یا مفاهیم خاصی از واقعیت که هنرمند به کمک احساس و چنان خود آن را رویت میسازد. محتوا به عبارتی یک جور طرز تلقی هنرمند از واقعیت است.

قالب: مبین ساختار و سازماندهی اثر هنری است که به واسطه آن محتوا قابل رویت می شود. لازم و ملزوم یکدیگرند. (قالب و محتوا)

تعریف هنر مفهومی:

نحوه ای از ارائه اثر هنری معاصر است که در آن اندیشه و مفهوم خاصی که معمولا فردی و پیچیده و کلی است به طور انتزاعی و غیرقاعده مند و بر اساس نفی زیبایی شناسی شکل به وجود می آید.

هنر مفهومی متناسب با عملکرد کلی و روابط میان اجزایش خصوصیات تغییر پذیر دارد به همین دلیل نزد هنرمندان این جنبش معنای اثر هنری و روابط آن با انسان و طبیعت و زیبایی شناختی از منظری غیر از مدرنیسم مورد توجه قرر میگیرد.

هنر مفهومی تقلید طبیعت و صورت های گوناگون آن نیست گاهی استفاده از خود اشیا، واقعیت های سیاسی و اجتماعی، تکنولوژی موضوع کار و حتی گاهی خود هنرمند بخشی از شکل اثر هنری و مفهوم آن بشمار می آید و ساختارهای سنتی و دیرینه قبلی را در زمینه هنر میشکند و به تکنیک ساخت و معماری ساخت توجهی ندارد.

1960- دستاورد های تکنولوژی امکانات ضبط مغناطیسی تصویر و را وارد صدا و پخش آن را روی مونیاتور (art video) هنرهای تجسمی کرد.

1965- نقاشی های آبستره / هندسری / در نهایت سادگی مورد استفاده مینی مالیسم قرار گرفت.

هنر چیدمان از قرن بیستم پیدا شد. (ralletion art)

فضای کار و آثار در ابعاد بزرگ و متناسب با فضا و عملکرد آن شکل گرفت.

1968- هنر و زبان (art language) در خلاقیت هنری شکل گرفت.

این گروه هنری زبان را سرچشمه مفهوم در هنرهای تجسمی میدانستند. به همین دلیل در آثار خود از کلمات و توصیف نوشتاری بهره گرفته اند مانند اثر جوزف کادو که با

استفاده از صندلی و تصویر آن به اندازه واقعی و معنای آن استفاده کرد و بدین ترتیب واقعیت و مضمون شکل و اثر هنری را مورد توجه قرار داد.

Art land- اجرای آثار با استفاده از فضاهاى بزرگ/ کار مستقیم در طبیعت / مزارع / بیابان و مکان های دور از دسترس.

اجرای آثار ناپایدار و میرا که نشانگر هیجان دو جانبه میان انسان و طبیعت است. بازگشت به خاطرات افسانه ای و اسطوره ای از اهداف هنر آرت لند می باشد.

گاهی هنرمند با استفاده از قابلیت های اندام انسان و حالات آن به عنوان ابزار برای ارتباط با مخاطبین مفهوم ویژه ای را ایجاد می کند. آثار این و بادی آرت هنرمندان بنام پرفورمنس یا هنر اجرا یا happening

Boody art نامیده می شود.

زیبایی شناسی و درک تصویر :

دیدن تصویر و درک آن عمل خلاق است. هر تجربه ای در دنیای تصویر مستقل از آنچه که شخص میبیند عملی سازمان دهنده و فرآیندی در جهت یکپارچگی و تجلی واژه تجسم است.

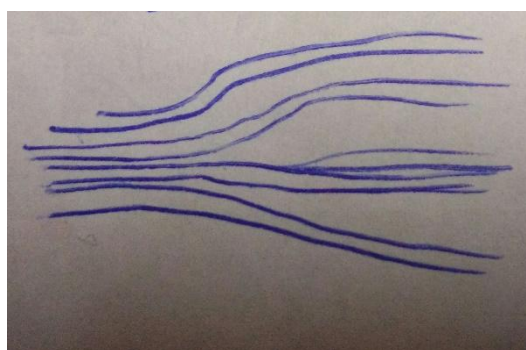
خالق اثر و مخاطب اثر :

هنرمند نادیدنی‌ها را قابل دیدن می‌سازد و دیدنی‌ها را بیان نمی‌کند. به عبارت دیگر موضوعاتی چون طبیعت در دل هنرمند تفسیر می‌شود. برای درک و فهم اثر هنرمند هم چون خالق اثر باید به تعمق پرداخته و با پرورش ذهن تقویت قوه خلاقیت به درک و فهم اثر دست پیدا کند.

تصویر خوانی یکی از روش‌های درک کیفیت‌های تصویری است و با بکار بستن اطلاعات در این راستا در جهت تقویت شناخت از مفاهیم تصویری می‌توان به قدرت خلاقیت تصویری کمک کرد.

زیبایی‌شناسی تصویری:

تصویر خوانی در سینما و تلویزیون مانند نحوه نوشتاری در دستور زبان‌های مختلف مثلاً از چپ به راست یا از راست به چپ یا از بالا به پایین دارای قاعده و نحوه خاص خودش است.



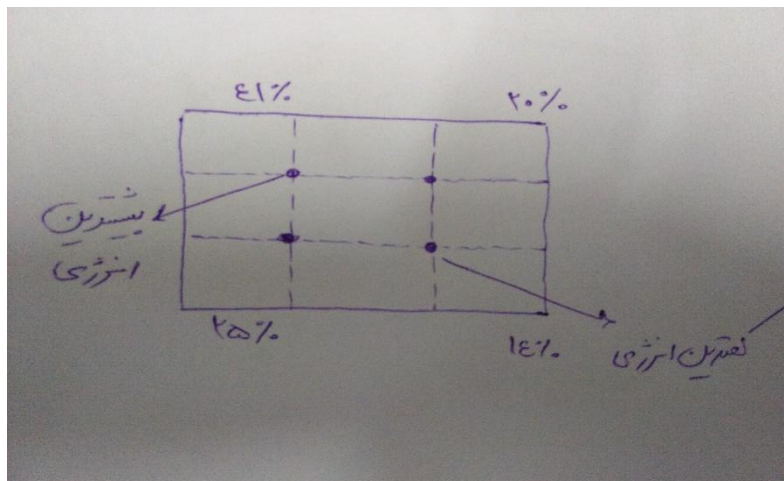
مثال

در این تصویر یک رودخانه از بهم پیوستن 4 رودخانه کوچکتر به وجود آمده یا 4 رودخانه بهم پیوسته و یک رودخانه نتیجه شده یعنی برداشت عده‌ای از این تصویر 4 به

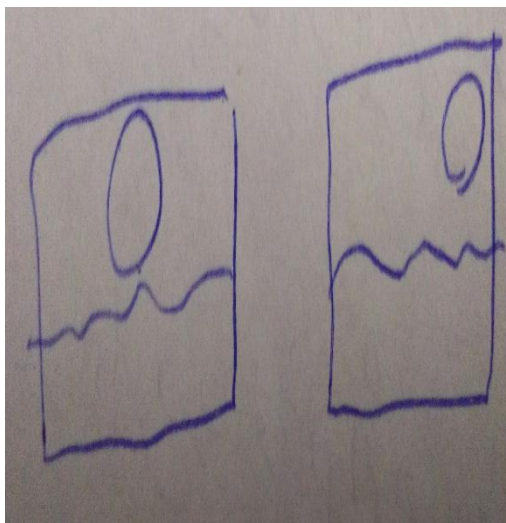
1 و برداشت عده ای دیگر 1 به 4 است اما در تکنیک تصویر خوانی سینما و تلویزیون تصویر خوانی از چپ به راست است و در واقع تصویر درست راست نتیجه گیری می شود.

در سینما اسکوپ قانون تصویر خوانی وجود ندارد. در هنرهای تجسمی یا تصویر خوانی نقاط طلایی در یک کادر دارای انرژی بیشتری برای رویت بهتر و سریعتر بیننده وجود دارد.

نقاط طلایی در تصویر به ترتیب زیر:

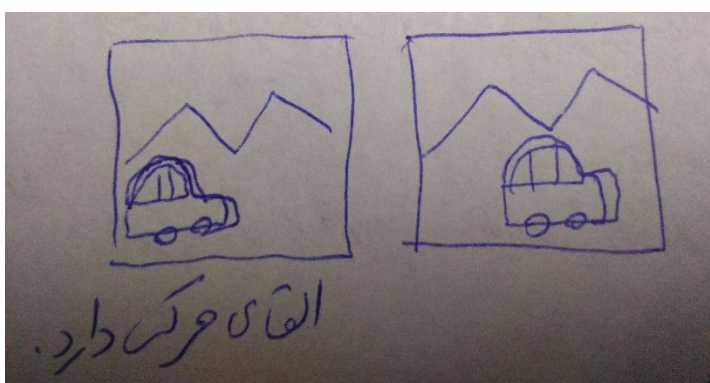


در تصویر خوانی فضایی که در جلوی موضوع اصلی قرار میگیرد باعث می شود که به طور خود به خود موضوع بهتر دیده می شود



(فضای دماغی)

از طرفی خطوط در تصویر سازی به بیننده کمک می کند که سوژه ی مورد نظر را جلوتر یا نزدیکتر ببینید. برای ایجاد حس حرکتی در تصویر موضوع تصویر در کدام سمت قرار گرفته باشد قابل توجه است.



هدایت نقطه دید بیننده از یک نقطه به نقطه دیگر را اصطلاحاً جهت می گویند. سه نوع جهت در این جا بررسی میشود

1-جهات حرکتی

2-جهات ثابت

3-جهات گرافیکی

حرکت/ جهات حرکت یعنی اینکه ما به طور مستقیم مثلاً توسط دست به نقطه اشاره کنیم.

راست/ جهت ثابت یعنی اینکه برای مثال تصویر شخص که به سوی سوژه و به سمت پایین خم شده است.

گرافیکی/ جهاتی هستند که طراحی شده اند مانند تصویر یک پیکان یا یک علامت گرافیکی

رنگ های سرد و گرم :

وزن

زمان

فضا

سبکتر	طولانی	کوچک	سرد
سنگین تر	کوتاهتر	بزرگ	گرم



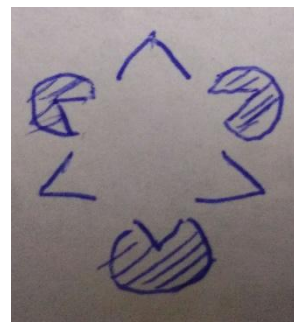
زودتر به چشم بیننده می رسد

زمان کمتری نیاز است تا به چشم برسد

برای ایجاد یکپارچگی تصویر:

1- شباهت : تحلیل چند تصویر مختلف از یک تصویر واحد مثل پیروزن و زن جوان و خرگوش

2- مجاورت: قرارگیری لکه های رنگ کنار هم (نقاط و خطوط) و ایجاد یک تصویر جدید



3- تداوم :

علایم گرافیک نو (تصویری)

1- پیکتوگرام: Pictogram خبری- تصویری- شکل به صورت

خلاصه شده – بین المللی

2- مونوگرام Monogram یک حرف یا حروف / خیلی

3- لوگو تایپ logo type نوشته ای که طراحی شده مثل برند

Sony

4- آرم یا نشانه خاص : مثل آرم شرکت های خصوصی مثل آرم شهر کتاب

5- آرم یا نشانه عام : تمام کشورها این را دارند و همه گیر است ممکن نوشته

داشته باشه یا نباشه مثل آرم پست یا دادگستری . ممکن است بین المللی باشد یا نباشد.

پیکتو گرام :

نشانه های تصویری هستند که در حیطه زندگی به طور مستقیم و غیر مستقیم

وظیفه پیام رسانی و اطلاع رسانی خبری با حداقل نوشتار و تا حد ممکن

مختصر و بیشتر از اشکال حیوانی / گیاهی / انسانی برای اهداف فرهنگی و

هنری و ادبی و سیاسی و اقتصادی و یا حوادث استفاده می شود مانند پرچم ها

و علایم راهنمایی رانندگی

لوگو تایپ :

یعنی نوعی نوشته خطی و نوشتاری که هدف آن معرفی و نشان دادن یک محصول / کالا / سازمان / ارگان / مؤسسه که فقط با تکیه بر عنصر نوشتار و حتی المقدور از تصویر استفاده نمی شود.

مونوگرام:

مونوگرام ها یک حرف از یک کلمه و یا 2 حرف و یا اولین حرف چند کلمه که در وهله اول به صورت معرف موضوع مشخصی نیست نشان داده می شوند و در بخش آرم های خاص نیز استفاده می شود.

آرم خاص:

مانند پیکتوگرام ها جنبه بین المللی و همه گیر ندارند و توسط شخص برای جا و مکان خاصی، اداره یا مؤسسه شخصی، دفتر یا شرکت تولیدی طراحی می شوند. و جنبه عمومی ندارند. حتی در جامعه فعلی در هر کشور خیلی از اقشار با آن نشانه ها بیگانه هستند.

آرم عام:

نشانه های عام راحت ترین نشانه ها در آزمون های خلاقیت تصویری است. با رجوع با مورد قبلی و حضور ذهن و با کمی دقت موضوع را می توان دریافت مانند نشانه شرکت پست در جمهوری اسلامی ایران و یا صدا سیمای ایران.